

نوروز در میناب (استان هرمزگان)

به کوشش سهراب سعیدی*

نوروز رسید گل چه جوشی دارد

بلبل به هوای گل خروشی دارد

این نم باران که ببارید سر گل

باغبان عزیزچه عیش و نوشی دارد

درآمد

نوروز ما بُرنگن

گل نه میون شنگن

gol na meyune šengen nowereuse mâ borangen

نوروز از مراسم بسیار کهن ایرانیان آریایی و واژه‌ای برخاسته از تاریخ ایران زمین است که به پاس نوشدن طبیعت و روئیدن سبزه و گل شروع می‌شود. در این ایام کتاب هستی اوراق خود را در مقابل دیدگان اهل خرد و نظر می‌گشاید و گردش ایام و گذرا بودن عمر را به انسان متذکر می‌شود.

نوروز عزیزترین روز سال نزد ایرانیان است، به طوری که: «اجرای مراسم جشن نوروز و گستردن خوان نوروزی در طول تاریخ بی‌نهایت با شکوه و جلال برگزار می‌شده است و در برخی از برهه‌های تاریخ با وجود مخالفت‌هایی که می‌شد، نتوانستند این رسم و دیگر رسوم را که موجب وحدت و هویت ملی ایرانیان است از میان بردارند (بیگدلی: ۱۳)

«مجموعه آیین‌های نوروزی از چهارشنبه آغاز می‌گردد و با آیین سیزده نوروزی پایان می‌پذیرد و همه آن‌ها با فرودهای درگذشتگانی که روزهای پایان سال برای دیدار خود بر زمین می‌آید پیوستگی دارد» (فره وشی، بی تا: ۴۳) و با حیات طبیعت، روح

* مدرس دانشگاه آزاد و پیام‌نور (کارشناس ارشد ادبیات فارسی)

رفتگان بازمی‌گردد و چند روز را در سرای دنیائیشان و با بستگان می‌گذرانند.

درباره پیدایی نوروز اعتقادات زیادی وجود دارد، از جمله اینکه: جم در این روز تاج مرصعی بر سر نهاد و چون آفتاب بدان تابید و شعاع آن پراکنده شد. مردم شاد شدند و گفتند امروز روز نو است و چون در زبان پهلوی شعاع را «شید» می‌نامند، پس نام جم را جمشید گذاشتند و از آن به بعد این مراسم به نوروز جمشیدی معروف شده است، که البته در «فارس نامه» ابن بلخی نسبت دادن نوروز به جمشید با ابهامات و تردیدهایی روبرو شده است.

مردم میناب بر این باورند: روزی که حضرت محمد (ص) خلافت را به حضرت علی (ع) سپرد، نوروز است؛ البته برای حفظ جشن نوروز از چشم‌زخم متحجران تمام مردم ایران روز نوروز را با جشن به خلافت رسیدن حضرت علی (ع) مصادف دانسته‌اند.

نوروز رسید گل به چمن دام گرفت
جمشید جم از دست فلک جام گرفت
روزی که علی نشست برجای نبی
از فضل خدا زمانه آرام گرفت

افسانه‌ها، درباره پیدایش نوروز زیاد است و چون عنوان مقاله «نوروز در میناب» است، در این گفتار کوتاه و فشرده کوشش خواهیم کرد که نوروز را در میناب معرفی نمایم.

نوروز رسید از کرم لم یزلی
مرغان هوا به همدیگر می‌گویند
بلبل به شغف خواند به آواز جلی
بخشید خدا تخت خلافت به علی

آداب نوروز

مردم میناب در عید نوروز پیشانی و شاخ گاو و گوسفندان و همچنین درب منازل را با گلک (گل سرخ) رنگین می‌سازند و در این راستا بر این باورند که: زمین روی شاخ گاوماهی قرار دارد و نوروز روزی است که گاوماهی برای رفع خستگی زمین را از این شاخ به آن شاخ منتقل می‌سازد و احیاناً در نوروز اگر زلزله‌ای رخ می‌داد آن را در اثر جابه‌جاشدن زمین از یک شاخ به شاخ دیگر گاو می‌دانستند. نوروز در میناب اگر زمستان پربارانی داشته باشد، فرح‌بخش و نشاط‌انگیز است و سبزه و گیاهان زینت‌بخش فضای دشت و دمن خواهد بود. در دوران گذشته در شب روز فروردین وسایل خانه از جمله: کوزه‌های سر شکسته، حصیر و بوریا را که کهنه شده بودند دور می‌ریختند و سپس به انتظار رؤیت رنگین‌کمان می‌ماندند و بر این باور بودند که هرگاه در آسمان رنگین‌کمان بیاید سال تحویل شده است و آنگاه به پیشانی حیوانات گلک (گل سرخ = gelak) می‌زدند و پیرزنان و پیرمردان نیز سرخود را حنا می‌کردند و زنان جوان نیز دست و پای خود را با حنا نقش و نگار می‌انداختند. سپس لباس نو می‌پوشیدند، زنان نقاب (بُرکه = borke) نو به صورت می‌بستند و مردان نیز لُنگ (نوعی شلوار مردانه = long) می‌پوشیدند و زنان همگی بر چشمان خود سرمه می‌کشیدند و به یکدیگر مژدگانی می‌دادند.

در ایام نوروز در باغ‌های اطراف میناب (روستای محمودی و نصیری) و دیگر روستاها، گلی به رنگ بنفش می‌روید که به بهار کو (bahârakov) معروف است و معمولاً دخترخانم‌ها و آقا پسرها آن گل‌ها را به بند می‌کشند و به گردن می‌آویزند.

در گذشته به هنگام تحویل سال تمام اقوام و طایفه در خانه بزرگ فامیل و یا پدر و مادر جمع می‌شدند و شب یخی راه می‌انداختند و کهنسالان مجلس نیز چیچکا (čičakâ = قصه) تعریف می‌نمودند و از خاطرات خوش خود و همچنین از گذر ایام سخن می‌راندند.

به هنگام تحویل سال نیز گلهای نوروزی را که در فصل نوروز به صورت خودرو می‌رویند، می‌چینند و در خانه‌های خود می‌گذارند و همینطور برگ درخت انبه و زیتون را در درب خانه‌هایشان می‌زدند. تا کهنگی آنها از بین برود. از دیگر اعمال نوروز در میناب که توسط خانم‌ها انجام می‌گرفت، رنگ کردن تخم مرغ با گلک بود تا به هنگام تحویل سال نو به کودکان خود هدیه دهند و همین طور آنان بر روی آتش محک می‌ریختند و همین‌طور وسط ابروهای خود را نیز با گلک رنگ می‌نمودند و به مانند خال هندی‌ها زینت می‌دادند.

سبزه نوروزی

مهم‌ترین مظهر محیطی نوروز، سبزه نوروزی است که پیام آور نوشدگی سال و بارزایی طبیعت است. سبزه نوروزی به هنگام فرارسیدن نوروز باید پیش چشم باشد. مردم میناب دو سه هفته پیش از نوروز، گندم، جو، ارزن، ذرت، لوبیا، نخود و ماش را می‌کارند. در گذشته نیز با نزدیک شدن سال نو هسته خرما را درون خانه‌هایشان می‌کاشتند تا جوانه بزند و سبز شود و در هنگام تحویل سال از آن استفاده کنند.

پوشاک نوروزی

بیشتر مردم میناب به پوشاک نوروزی اهمیت می‌دهند، گویی تا پوشاک آنها آماده نشود، نوروز نمی‌رسد. از این رو بازار پارچه‌فروشان و لباس‌فروشان سخت داغ است، چرا که به هنگام نوروز همه می‌خواهند لباس‌های نو بر تن کنند و سال نو را با شادی و رخت نو آغاز نمایند؛ آن دسته از مردمان که توانایی خریدن لباس نو را ندارند، با خود این شعر را زمزمه می‌کنند:

عید ما نوروز ما کهنه قبا هر روز ما

که از شعر فوق اهمیت دادن به لباس و پوشاک نوروزی به خوبی دریافت می‌شود.

خانم‌ها به هنگام تحویل سال، برکه‌های (نقاب) خود را دور می‌اندازند و برکه‌های نو می‌پوشیدند که البته رنگ برکه‌ها (borke) متفاوت است و از رنگ آن برکه‌ها به خوبی می‌توان فهمید که آن زن، دختر است، یا بیوه است و یا این که شوهر دارد و یا شوهرش مرده و یا

اینکه به کدام فامیل و تبار و قبیل و طایفه وابسته است. اما با آمدن نوروز مردمان نیز لنگ‌های کهنه خود را دور می‌انداختند و لنگ دیگری تهیه می‌کردند.

نهادن بوی خوش بر آتش

قبل از فرارسیدن سال نو، منازل سرشار از بوی خوش اسفند، گندَر، گشته، بوورسی و بو زعفرانی می‌شد. مردم میناب از گشته (gešte) که یک نوع بخور است برای معطر کردن اتاق و لباس‌ها استفاده می‌کردند، که البته مواد اولیه برای ساخت گشته را از هندوستان می‌آوردند و سابقه آن برمی‌گردد به زمانی که میناب (هرمزکهنه) در زمان ساسانیان وارد تجارت جهانی شده بود که مواد آن عبارتند از: پوچ عود،^(۱) لوبن،^(۲) مشک،^(۳) عنبر،^(۴) بنت سودان^(۵) و شکر اهل میناب بر این باورند که اگر به هنگام درست کردن این ماده خوشبو، شخصی ناپاک از بیرون خانه بیاید و سلام کند، این مواد خراب می‌شود و در نوروز آن سال بوی خوش نخواهند داشت.

اما از دیگر مواد خوشبو که در گذشته و در ایام نوروز مردم میناب آن را مورد استفاده قرار می‌دادند بوورسی است که از گل سرخ، ورس،^(۶) جوزهندی، گست^(۷) و کبوت^(۸) درست می‌کردند. رنگ این ماده سفید است و در ظرف دربسته نگهداری می‌شود. در گذشته خانم‌های مینابی به هنگام فرارسیدن سال نو و عروسی‌ها، خود را با این ماده خوشبو و معطر می‌کردند.

بو زعفرانی نیز از جمله ماده‌های خوشبو است که از جوز هندی و مله‌ب ساخته می‌شود. این ماده بسیار معطر و خوشبو و البته خیلی هم گران قیمت است که در گذشته بیشتر مورد استفاده اعیان و اشراف میناب بوده است.

خانه تکانی

مردم میناب تقریباً از اوایل اسفندماه شروع به خانه تکانی و زدودن آلودگی از فضای خانه و کاشانه خود می‌نمایند. در روستاها فرش‌ها، حصیرها و پرده‌ها را در جوی آب می‌افکنند و می‌شویند و اثاثیه کم‌بها را به دور می‌افکنند و لوازم نو به جایشان می‌نشانند. در

۱- پوچ عود: خرده‌های یک نوع چوب معطر به نام عود که موقع بریدن و رنده کردن، خرده‌هایی از آن باقی می‌ماند و از هندوستان آورده می‌شود و خیلی هم خوشبو و گران قیمت است.

۲- لوبن: یک نوع صمغ درخت است و این هم درختی است خوشبو در هندوستان.

۳- مشک: که از ناف آهوی ختن گرفته می‌شود.

۴- عنبر: مردم میناب بر این باورند که این ماده را نیز از ناف یک نوع گاو در هند می‌گیرند که رنگ آن سیاه و بسیار خوشبو و گران قیمت است.

۵- بنت سودان: عطر گل محمدی است.

۶- ورس: موادی معطر و خوشبو که از هندوستان می‌آورند. این ماده مثل قهوه است.

۷- گست: ریشه یک نوع درخت معطر است که در گذشته بازرگانان میناب از هندوستان می‌آوردند.

۸- کبوت: یک نوع برگ درخت است که یک طرف آن سیاه و طرف دیگرش سفید است و از هندوستان می‌آوردند.

شهر میناب نیز اشیایی را که به مدت یک سال جابه‌جا نشده را تمیز می‌نمایند، قالی‌ها و قالیچه‌ها را می‌تکانند و گرد و خاک آنها را می‌گیرند و به غبارروبی و گردگیری در و دیوار خانه واسباب خانه می‌پردازند.

غذای نوروزی

اغلب غذاهای مورد استفاده در نوروز - البته در گذشته - پیاز و سوراغ (نوعی چاشنی) و همچنین نان گندم و یا جو بود. همینطور شیر و دوغ گاو و چنگال (نوعی شیرینی محلی) نیز کاربرد داشت. مردم بر این عقیده بودند که در سال نو باید از غذای نو و تازه استفاده کرد؛ در این راستا اگر گندمی از قدیم در منزل داشتند از آن مورد استفاده نمی‌کردند و به شالیزار می‌رفتند و از نو گندم می‌چیدند و با آسیاب آرد کرده و مورد استفاده قرار می‌دادند. آنها بر این باور بودند که تا سال دیگر سفره شان پر از دسترنج خودشان خواهد شد.

اعتقادات نوروزی

در روز و یا شب نوروز با شکم خالی نباید خوابید، چرا که مادر نوروز شکمت را واری می‌کند و اگر دید که سیر هستی، تمام سال سیر می‌شوی و روزی‌ات افزون می‌گردد، ولی اگر با شکم خالی و گرسنه باشی، رزق و روزی‌ات در آن سال کم می‌شود، به طوری که در آن سال در بیشتر ایام گرسنه خواهی شد.

مردم در ایام نوروز، هر گاه رنگین‌کمان مشاهده می‌کردند بر این باور بودند که سال تحویل شده است.

مردم میناب بر این باورند که نوروز مادر دارد به همین خاطر در نوروز خوشه‌های تازه گندم و پیاز را بر سردر خانه می‌گذاشتند و معتقد بودند که سهمیه مادر نوروز می‌باشد. در شب‌های نوروزی تاب می‌خوردند و بر این باور بودند که تاب خوردن در این ایام موجب ریزش گناهان می‌شود. اگر در نوروز انسانی به سرای باقی می‌شتافت، هفت زن به رودخانه می‌رفتند و سنگ جمع می‌کردند و آنگاه قبر را می‌بستند. اگر کسی چند روز قبل از نوروز به وادی خاموشان می‌پیوست و در آرامستان ابدی آرام می‌گرفت، به هنگام رسیدن نوروز برایش عزا نمی‌گرفتند و بر این باور بودند که یکسال از آن ماجرا گذشته است.

نوروز و بازی

جوکو نوروزی (jovkove)

بازی جوکو نوروزی در فصل بهار و در ایام عید نوروز برگزار می‌شود. این بازی به باد مور نیز معروف است و در بین دختران و پسران جوان مشترک می‌باشد، شروع بازی اینگونه است که بازیکنان بر طنابی محکم که قبلاً کشاورزان روستایی از برگ درخت خرما بافته‌اند و به اصطلاح محلی به آن پروند (parvend) می‌گویند و کروشنگی (korowšengi=جاپایی) بر آن گذاشته‌اند می‌نشینند و در

حالی که همدیگر را هل می‌دهند، تاب‌بازی می‌نمایند، ولی پسران برای اظهار وجود و اثبات قدرت پا و بازوان خود، به صورت ایستاده سوار طناب می‌شوند و با تلاش فراوان و فعالیت زیاد، آرام، طناب را به حرکت درمی‌آورند و بعد اوج می‌گیرند که این نوع تاب‌خوردن با پا زدنی شدید همراه است.

کستی (kosti)

از دیگر بازی‌هایی که در ایام نوروز برگزار می‌شود، بازی کستی (کشتی) می‌باشد که داوران آن پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هستند. بازی بدین‌گونه شروع می‌شود که مادربزرگ و یا پدربزرگ نوه‌ها و یا دیگر کودکان را دعوت به کستی‌گرفتن می‌کنند و هر کودکی که برنده شود عیدی دریافت می‌نماید.

اجرای این بازی به این‌گونه است که دو نفر لنگی (= longi شلوار مردانه، شبیه دستمال) به کمر بسته و با هم کستی می‌گیرند. این بازی از نوع کشتی‌های سنتی بسیاری از شهرهای ایران است که طبق هیچ قاعده و قانونی نیست و هر کسی که بتواند به هر ترتیب که شده پشت حریف را به خاک بمالد، برنده بازی است. برای این منظور هر یک از طرفین بازی به هر حيله‌ای دست می‌زنند تا پشت طرف دیگر را بر زمین زنند.

نوروزی خوانی

«ترانه‌های نوروزی و نوبهاری، افزون بر بازگویی و توصیف عواطف و احساسات مردم در بازنگری نوبهار و نوروز، عموماً به اشاعه فکر عامه می‌پردازند. هنوز هم در بسیاری از روستاها و شهرهای ایران، نوروزی خوان‌ها، این پیک‌های نوروزی چند روز پیش از نوروز، به در خانه‌های مردم می‌روند و رسیدن نوروز و نوبهار را تهنیت می‌گویند» (طهماسبی: ۲۶). در میناب کودکان به هنگام فرارسیدن نوروز سرود نوروزی می‌خوانند تا به دستاویز آن از بزرگ‌ترها عیدی بگیرند:

«نوروز نو باز آمده / بلبل به آواز آمده / فرزند به صد ناز آمده / بابا بده نوروزیم / مادر بکن دلسوزیم / مادر به حق شیر تو / در گردنم زنجیر تو / شب‌ها بخوردم شیر تو / بابا بده نوروزیم / مادر بکن دلسوزیم / نوروزیم ده شاهی است / کمتر کنی یک شاهی است / گر ندهی رسوایی است / بابا بده نوروزیم / مادر بکن دلسوزیم / ای بی بی نیکو سرشت / جای تو باشد در بهشت / طفلان دهنم سرزشت / بی بی بده نوروزیم / مادر بکن دلسوزیم / ای خاله ام ای باوفا / باشد خدا از تو رضا / جای تو باشد کربلا / خاله بده نوروزیم / مادر بکن دلسوزیم / عمو بحق لاله / حق باشدت پشت و پناه / باشد خدا از تو رضا / عمو بده نوروزیم / مادر بکن دلسوزیم / خالو تو هستی خال من / هستی تو پر و بال من / فکری بکن بر حال من / خالو بده نوروزیم / مادر بکن دلسوزیم».

تحویل سال نو

قبل از تحویل سال نو، مردم میناب سر و پای خود را پاک می‌شویند و جامه نو می‌پوشند. همین‌طور ریسمانی را از شاخ درختی تنومند می‌آویزند و دختران بر آن نشسته و در هوا می‌آیند که به «جوکو خوردن» معروف است. به هنگام تحویل سال، در خانه اسپند دود می‌کنند و پس از خواندن دعای نوروزی و تبریک گفتن سال نو به خانه بزرگان فامیل می‌روند و در این دیدو بازدیدها کودکان از بزرگترها عیدی دریافت می‌کنند و همچنین با دردست داشتن شیرینی و آب و گلاب بر مزار عزیزان ازدست‌رفته خود حاضر می‌شوند و برای آنان فاتحه می‌خوانند و سال را با خوشی و شادی شروع می‌نمایند، اما بعد از نوروز ممکن است که هوا با سرعت روبه گرمی برود و سبزه‌ها خشک شود. با این وجود اعتقاد عمومی بر این است که پس از نوروز تغییرات غیرمنتظره‌ای ممکن است در هوا ایجاد شود، به همین جهت گفته‌اند:

پس از نوروز سلطانی پدید آید زمستانی

یا با دست یا باران یا شرطه بی پایان» سابیانی، ۱۳۸۲: ۱۲۳

سبزه بدر

«سبزه روز پایان دوره جشن‌های نوروزی است. در این روز مردم بنا بر یک سنت فرهنگی از خانه‌ها بیرون و به دشت و صحرا و باغ می‌روند تا آخرین روز عید را در طبیعت و در کنار سبزه و گیاه و آب روان چشمه‌ها و جویبارها به شادی و خوشی بگذرانند» (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۸۹). ایرانیان باستان بر این باور بودند که سبزه‌هم نوروز، آغاز ره‌ایش از جهان مادی، روز طلب باران بهاری برای کشتزارهای نودمیده، روز ایزد تیر و تیشتر و روز نابودی دیوآپوش و روز گره‌زدن سبزه‌ها برای بازشدن بخت دوشیزگان است. اما مردم میناب روز سبزه را نحس می‌دانند و به همین مناسبت اهالی برای رفع نحوست روز سبزه به دامان طبیعت پناه می‌برند و عظمت خداوند را در آینه طبیعت می‌بینند و در کمال شادی و سرور سبزه را در دشت و صحرا و باغهای اطراف شهر و همچنین رفتن به مکان‌های مقدس و دیدن از ساحل زیبای بندر کوه‌تک سپری می‌نمایند.

شعری دیگر راجع به نوروز

سیصد سلام و سی علیک	ای صاحب خونه سلام علیک
ای صاحب خونه با ایمان	بلند قد و باریک میون
ما هستیم نوروز خون	نوروز سلطان آمده
ای صاحب خانه با خدا	ان شاء الله بروی کربلا

در یک رها کنی دوما
به به از این دولت سرا
به خشت نقره خشت طلا
نوروز سلطان آمده

دست شادی شمع حنا
دولت سرای پادشاه
توفیق تارن به قصر شاه
گل در گلستان آمده

منابع و مأخذ:

- فره وشی، بهرام، جهان فروری، تهران، دانشگاه تهران، بی تا
- سعیدی، سهراب، فرهنگ مردم میناب، تهران، ائلشن، ۱۳۸۶
- سایبانی، احمد، فین بندر عباس، تهران، همسایه، چاپ دوم، ۱۳۸۲
- سعیدی، سهراب، لالایی، بازی ها و سرگرمی های میناب، تهران، ائلشن، ۱۳۸۶
- ماهنامه حافظ، شماره ۳، مقاله دکتر محمدرضا بیگدلی.
- بلوکباشی، علی، نوروز جشن نوزایی آفرینش، تهران، پژوهشهای فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی